

## آگاهی‌های ایرانیان روزگار صفوی از اوضاع مذهبی اروپا (با تأکید بر نخستین بازتابهای نهضت پروتستان در ایران)

دکتر مقصودعلی صادقی

عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه تبریز

(از ص ۱۳۹ تا ۱۵۳)

چکیده:

ایرانیان از دیرباز با آئین مسیحیت آشنائی‌ها و تعاملاتی داشته‌اند. این دین در پاره‌ای از برهه‌های تاریخ، در بخشهایی از ایران نیز گسترش یافته بود. اما مسیحیت در طول تاریخ یکسان باقی نماند و در سرزمینهای مختلف، صورتبندی‌های گوناگونی به خود گرفت و به فرقه‌های مختلف تقسیم شد. صورتهای اروپائی مسیحیت با گونه‌های رایج آن در ایران و سرزمینهای همسایه متفاوت بود. در درازای نزدیک به هزار سال، به تدریج، سه فرقه کاتولیک، ارتدکس و پروتستان به همراه شعباتشان به عنوان اصلی‌ترین بخشهای مسیحیت اروپائی پا گرفتند. در این پژوهش کوشش شده است تا میزان آگاهی ایرانیان روزگار صفوی به این صورتبندی، به ویژه نخستین آشنائیهای ایرانیان با نهضت و فرقه پروتستان که همزمان با دوران صفویه شکل گرفت، بررسی شود.

واژه‌های کلیدی: صفویه، مسیحیت، فرقه پروتستان.

## مقدمه:

پس از روی کار آمدن صفویان در ایران پیوندهای میان ایران و اروپا افزایش چشمگیری یافت. این پیوندها در بیشتر موارد، دوستانه و شامل زمینه‌ها و موضوعات گوناگون بود. پیوندهای سیاسی و اقتصادی از یک سو و مناسبات مذهبی از سوی دیگر، گسترش فراوانی یافت. این واقعیت می‌توانست به شناخت دو طرف از جنبه‌های گوناگون زندگانی اجتماعی یکدیگر کمک شایان توجهی بکند. در این میان به نظر می‌رسد سهم اروپائیان از این شناخت، بسیار بیشتر از سهم ایرانیان باشد. اما ایرانیان نیز به هر روی از این رهگذر بی‌نصیب نماندند و پاره‌ای آگاهی‌ها از اروپای معاصرشان به دست آوردند.

بخشی از این آگاهی‌ها، آگاهی از اوضاع مذهبی اروپا بود. در اینجا مهمترین پرسش این است که میزان و کیفیت این آگاهی‌ها چگونه بوده است؟ و به ویژه اینکه آیا ایرانیان روزگار صفوی از تحولات مذهبی اروپای معاصر خود، به‌خصوص نهضت اصلاحات دینی به رهبری لوتر و کالون آگاهی یافته بودند یا نه؟ و این آگاهی چگونه و چه اندازه بوده است؟

دوران صفویه در ایران، کم و بیش با بسیاری از تحولات اروپا که تاریخ این قاره را وارد عصر جدید کرد همزمان یا بسیار نزدیک است. اختراع صنعت چاپ (در حدود سالهای ۱۴۴۰ تا ۱۴۵۰ م.)، فتح قسطنطنیه به دست دولت عثمانی (۱۴۵۳ م.) و کشف قاره آمریکا (۱۴۹۲ م.)، تحولات بزرگی است در اروپا که در آستانه روی کار آمدن صفویان در ایران (۱۵۰۰ م. ۹۰۷/ ه. ق.) رخ داد. معمولاً هریک یا گاه همه موارد یاد شده آغاز دوران جدید در تاریخ اروپا به شمار می‌آید. از سوی دیگر، رویدادهای سربوشت ساز دیگری همچون آغاز استعمار اروپائیان در آسیا (یا به اصطلاح نه چندان دقیق خود اروپائیان؛ کشف آسیا) و

نهضت اصلاحات دینی به رهبری لوتر و کالون (در حدود سالهای ۱۵۱۷ تا ۱۵۵۰ میلادی) در نخستین سالهای تشکیل دولت صفوی اتفاق افتاد. رویدادهای اخیر نیز در شکل دادن به دوران جدید تاریخ اروپا سهمی به سزا داشت. از آنجا که ایران عصر صفوی نیز همچون دیگر سرزمینهای غیر اروپائی، کم و بیش در دامنه تأثیر تحولات اروپای جدید قرار گرفت، از جمله موضوعاتی که برای شناخت دوره یادشده در ایران بررسی آن ضروری به نظر می‌رسد بازتابها و احیاناً تأثیرات هریک از تحولات مورد اشاره اروپا در ایران صفوی است. پاره‌ای پژوهشها درباره بازتاب برخی از رویدادهای یادشده در ایران صفوی، از جمله ورود صنعت چاپ به ایران در این دوره (رحیم‌لو و صادقی، صص ۹۱-۱۰۰) و تلاشهای استعماری اروپائیان در بخشهایی از سرزمین ایران، به‌ویژه اشغال هرموز و برخی دیگر از جزایر و بنادر ایرانی منطقه خلیج فارس، صورت گرفته است. همچنین پیامدهای فتح قسطنطنیه به دست ترکان عثمانی، به‌ویژه در روابط ایران و اروپا، موضوعی است که غیر مستقیم در بسیاری از پژوهشهای مرتبط با مناسبات ایران و اروپای روزگار صفوی (و پیش از آن؛ آق قویونلو) مورد توجه قرار گرفته است اما پاره‌ای دیگر از موضوعات یادشده تا کنون از دیدگاه پژوهشگران این حوزه نادیده گرفته شده است؛ مثلاً اینکه آیا کشف قاره آمریکا در آن سالهای نزدیک به واقعه، در ایران انعکاس یافته است یا نه؟ و یا اینکه آیا مردمانی از قاره آمریکا (منظور اروپائیان مهاجر به آمریکاست) در آن زمان به ایران رفت و آمد کرده‌اند یا نه؟ می‌تواند پرسشهای قابل توجهی باشد. از دیگر موضوعاتی که به همین گونه از دیدگاه پژوهشگران تاریخ ایران صفوی نادیده مانده است تحولات مذهبی اروپا در قرون شانزدهم و هفدهم و به ویژه بازتابهای احتمالی نهضت اصلاحات دینی اروپا (پروتستانتیزم) در ایران صفوی است. این نادیده انگاری چندان هم غیر

طبیعی نیست؛ چه سکوت منابع در این باره تا اندازه‌ای است که شاید از نظر پژوهشگر، پذیرش وجود چنین بازتابی دور از انتظار باشد.

تصادفاً عصر اصلاحات مذهبی در اروپای قرون جدید، با تغییرات گسترده مذهبی در ایران همزمان است؛ بدون اینکه قائل به هیچگونه ارتباطی میان این دو واقعه باشیم. در همان روزگاری که لوتر و کالون در راستای اصلاح آئین مسیحیت در اروپا شورانگیزی می‌کردند، در ایران نیز تلاشهای شاه اسماعیل و جانشینانش برای تغییر مذهب ایرانیان از تسنن به تشیع هنگامه‌ای برپا کرده بود. البته ماهیت دگرگونیها در دوسوی متفاوت بود. در ایران، تشیع که تا آن هنگام در اقلیت (اقلیتی بزرگ و مؤثر) بود در این زمان گسترش یافت و به مذهب اکثریت و رسمی کشور تبدیل شد. اما در اروپا با اصلاحات و دگرگونی‌هایی در مذهب موجود (کاتولیک)، مذهبی نو به نام پروتستان از دل آن پدید آمد. در ایران مسأله، صرفاً تغییر مذهب بود اما در اروپا، فراتر از تغییر، اصلاح و ابداع مذهب اتفاق افتاد. هرچند پیامدهای هر دو رویداد در سرنوشت آینده هر دو سرزمین چشمگیر و سرنوشت ساز بود.

از ایرانیان روزگار صفوی نباستی به سان مردمان امروزی انتظار شناختی بالا و حتی متوسط از اصلاحات مذهبی در اروپای قرن شانزدهم را داشت. در آن زمان، میزان ارتباطات و نوع وسایل ارتباطی به گستردگی و پیشرفتگی امروز نبود تا چنین شناختی را برای ایرانیان شدنی کند. وانگهی در محیط فکری و اجتماعی ایران آن زمان چنین موضوعی کمتر می‌توانست توجه جدی ایرانیان را به خود جلب کند. همچنین باید در نظر داشت که بیشتر پیوندهای میان ایرانیان با اروپائیان در دوره صفوی با مردمان و دولتهای کاتولیک اروپا بود. فرقه‌های تبلیغگر مسیحیت اروپائی که در ایران آن زمان حضور داشتند نیز همگی فرقه‌های کاتولیک بودند. (صادق، صص ۹۹-۸۱) پدیده اخیر می‌توانست ایرانیان را در معرض

آگاهی‌هایی از آئین کاتولیک قرار دهد نه پروتستان. حضور اینان در ایران حتی مجادلات دامنه‌داری را میان آنان و علمای مذهبی شیعه پدید آورد. (حائری، صص ۵۰۶-۵۶۹، جعفریان، صص ۲۳۰-۲۹۹) خود این مجادلات از جهات گوناگون می‌توانست آگاهی‌هایی از مسیحیت اروپائی و به‌ویژه آئین کاتولیک برای ایرانیان به ارمغان آورد. از این روی، شناخت بخشهائی از مردمان ایرانی روزگار صفوی، به‌ویژه روحانیان شیعه درگیر مجادلات یاد شده، از مسیحیت کاتولیک قابل توجه بود. (جعفریان، صص ۲۳۰-۲۹۹) اینان آئین کاتولیک را گاه حتی با همان نام متداول در اروپا «قاتولیقی» یا «کاتولی‌کی» (محمد باقر خاتون آبادی، صص ۲۰-۱۹) می‌نامیدند. در ایران عصر صفوی آگاهی‌هایی از وجود تشکیلات روحانی مسیحیت کاتولیک به رهبری پاپ وجود داشت و اغلب از پاپ تحت عنوان «ریم پاپا» یاد می‌شد (منشی ترکمان، ج ۱، ص ۵۱۳ و ج ۲، ص ۸۶۳)؛ این اصطلاح تلفظ دیگری از «روم پاپا» است. این نامگذاری از آن روی بود که مقر پاپ در شهر رم ایتالیا قرار داشت. اسکندر بیگ منشی در تشریح مناسبات گسترده شاه عباس اول با پادشاهان اروپائی، آنجا که از پیوندهای شاه عباس با پاپ سخن می‌گوید، پاپ را به اختصار چنین معرفی می‌کند: «و در میان گروه نصاری هرکس رتبه خلافت و جانشینی حضرت مسیح دریافت او را «پاپ» می‌گویند و دارالخلافه‌اش که به اعتقاد ایشان محل اقامت حضرت مسیح بوده؛ «رومه کبری» است. از ارض یونان» (منشی ترکمان، ج ۲، ص ۱۰۸۰) شخص شاه عباس اول نیز به آشنائی با آیین مسیحیت اروپائی علاقمند و اطلاعاتی نیز در این باره به‌دست آورده بود. در حدود سال ۱۶۱۷ یا ۱۶۱۸ م. / ۱۰۲۶ یا ۱۰۲۷ ه. ق. که دلاواله در اشرف مازندران به حضور شاه عباس رسید، شاه از او درباره وضع اروپا، به‌خصوص مقام پاپ و کاردینالها، سؤالهای فراوانی پرسید. خود شاه عباس نیز در همین باره توضیحاتی برای حاضران ایرانی جلسه داد که نشان می‌دهد او تا حدودی با سازمان روحانیت مسیحی آشنا بوده

است. (دلواله، ص ۲۳۸، مانوارینگ، صص ۹۸-۱۰۰) به گفته دلواله منبع آگاهیهای شاه عباس در این باره عمدتاً مسیحیان نومسلمان نظیر گرجیها، ارمنیها و چرکسها بودند که در بسیاری موارد اطلاعات نادرستی نیز به شاه میدادند. از بخشی از گفته‌های شاه به خوبی برمی‌آید که او از اختلافات فرقه‌های مختلف مسیحی و برخی آداب و رسوم آنان آگاهی داشته است. (دلواله، صص ۲۴۵-۲۴۲) بعنوان نمونه او می‌دانست که میان مسیحیت انگلستان و مسیحیت رسمی کاتولیک اختلافاتی وجود دارد. (دلواله، صص ۲۴۴). در نمونه‌ای دیگر در ژوئن ۱۶۲۱ م. / رجب ۱۰۳۰ ه. ق. در مجلس گفتگوی شاه عباس با تعدادی از نمایندگان سیاسی مذهبی اروپائی مباحثی مطرح شده است که نشان از اهتمام شاه عباس به کسب آگاهی از اوضاع مذهبی اروپا دارد. در این نشست طولانی که نمایندگان پاپ و برخی کشورهای کاتولیک مذهب از جمله پادری ویسنت و پادری جوان (پرژان تاده) از یک سو و هیئت انگلیسی به عنوان معتقدان به کلیسای آنگلیکن از سوی دیگر حضور داشتند. شاه عباس با کنجکاوی فراوان پرسشهایی درباره مسائل گوناگون اروپا از حاضران پرسید. در این میان، پرسشهای او درباره پاره‌ای از مسائل مسیحیت، از جمله تفاوت‌های مسیحیت انگلستان با مسیحیت رومانیه (کاتولیک) بار دیگر نشان داد که این پادشاه ایرانی آگاهیهای چشمگیری از واقعیتهای مذهبی اروپا دارد. (کاوسی عراقی، صص ۲۶۷-۲۶۰). او در این باره، گاه محاجاتی نیز با مسیحیان اروپائی می‌کرد. یک بار زمانی که سر آنتوان شرلی به عنوان سفیر شاه عباس قصد مسافرت به اروپا داشت، کشیشی فرانسیسکن را به حضور شاه عباس آورد تا برای او امتیازاتی از شاه عباس، به‌ویژه برای مسافرت و اقامت در ایران، بگیرد. شاه عباس هنگامی که دریافت این کشیش خود را نماینده پاپ معرفی می‌کند، با آنکه از منصب پاپی آگاه بود با تجاهر از او پرسید: پاپ چه معنی دارد؟ و چون کشیش پاسخ گفت که پاپ جانشین عیسی است و حق عفو گناهان از آن اوست،

شاه عباس باز هم با تجاهل پرسید: پس باید سن او بسیار زیاد باشد که از زمان عیسی تا کنون زنده است؟ کشیش پاسخ داد: نه؛ پاپهای زیادی از زمان عیسی تاکنون روی کار آمده‌اند و مرده‌اند. شاه عباس نیز پاسخ داد پس بدین ترتیب، پاپ هم انسانی است مانند همه ماها، که در رم به دنیا آمده و بدین ترتیب حق عفو گناهان تنها از آن عیسی (ع) است که یکی از پیامبران بزرگ الهی بوده است. شاه سپس توضیحاتی درباره عیسی (ع) داد که به گفته نویسنده سفرنامه برادران شرلی نشان از اطلاعات خوب او از مسیحیت می‌داد (مانورینک، مصر ۱۰۰-۹۸). علاقه شاه عباس به شناخت مسیحیت حتی باعث شد تا دستور دهد برخی از متون مذهبی مسیحی از زبان لاتین به فارسی ترجمه شود. نسخه‌ای از زبور داود در کتابخانه واتیکان است که به دستور شاه عباس اول، به دست پرژان تاده، خلیفه کارملیتهای ایران، به فارسی برگردانده شده است. پرژان تاده خود در آغاز این ترجمه، درباره دستور شاه عباس برای ترجمه زبور چنین می‌گوید: «... در زمانی که نواب مستطاب (= شاه عباس اول) در حوالی گرجستان تشریف داشتند، از آن خدمت که نواب رجوع نموده بود به پادشاه فرنگستان (منظور، مأموریت سفارت به دربارهای اروپائی است)، بازگشت نمودیم. چون به خدمت نواب رسیدیم ایشان به لفظ گهربار فرمودند که چند کلمه از اناجیل، فارسی نموده به جهت ما بیاورند. این کمینه به اخلاص در حضور نواب قبول نمودم...» (تاده، ص ۴) این ترجمه ظاهراً در سال ۱۰۲۵ هـ. ق. / ۱۶۱۶ م. انجام گردیده است. (همان، ص ۳) علاوه بر زبور داود بسیاری دیگر از متون مذهبی مسیحی به وسیله مبلغان اروپائی از زبان اصلی به زبان عربی و فارسی ترجمه می‌شد؛ بعضی از همین ترجمه‌های عربی بعداً به وسیله عالمان ایرانی به زبان فارسی ترجمه گردید.

میرمحمدباقر خاتون‌آبادی (۱۱۲۷-۱۰۷۰ هـ. ق. / ۱۷۱۵-۱۶۶۰ م.) از علمای معاصر شاه سلطان حسین صفوی، انجیل‌های چهارگانه را از متن عربی (خاتون‌آبادی،

محمدباقر، ص ۳۱۷) به فارسی ترجمه کرد؛ این ترجمه به خواست شاه سلطان حسین صورت گرفت. علت علاقه شاه سلطان حسین به ترجمه چنین متنی، نه همچون جدش شاه عباس اول از روی کنجکاوی، بلکه برای فراهم آمدن اطلاعاتی برای ردّ بر مسیحیت بوده است. (همان، ص ۲۶) خاتون آبادی، آنگونه که خود مدعی است، سعی کرده است در این کار، «قانون ترجمه» (همان، ص ۳۱۷) را رعایت نماید و حتی گاهی به اشتباههای مترجم عربی نیز دقت و در تعلیقات خود بدان اشاره کرده است. از تعلیقاتش چنین برمی آید که آگاهی‌های نسبتاً مفصلی از مسیحیت و تاریخ این دین داشته است. او در راه بدست آوردن این آگاهی‌ها، هم از کتابهای دینی و تاریخی مسیحیان (همان، ص ۶۷، ۳۴۴، ۳۴۷) و هم از اطلاعات شفاهی مبلغان اروپائی مستقر در اصفهان استفاده برده است. (همان، ص ۲۷) دانشمند دیگر خاندان خاتون آبادی، عبدالحسین خاتون آبادی، نیز از کتابهای دینی یهودیان و مسیحیان، به خصوص آنگونه که در متون اروپائی، موجود بوده، اطلاعات خوبی داشته است. او معتقد است که تنها پنج سفرنخست تورات، جنبه وحیانیت دارد و دیگر اسفار آن چنین نیستند. در این باره یکی از استدلالهای جالب او این است که «در زبان یونانی، تورات را پنتاتوک گویند، یعنی پنج کتاب» (خاتون آبادی، عبدالحسین، ص ۱۶) همین نویسنده زبور داود را به خوبی میشناخته و آنرا در کتاب خود به اختصار چنین معرفی می‌کند: «سفر مزامیر، مشتمل بر صد و پنجاه مزمور، زبور مشهور به زبور داود، عبارت است از این سفر تورات و زبور را به زبان لاتینی که زبان علمای فرنگ است و زبان تصانیف فرنگیان است «پسالاموس» گویند و این سفر را غالب اوقات، علی‌حده جلدی می‌کنند و اکثر مضامین این جلد، ادعیه و مناجاتهای حضرت داود است و فقیر راقم حروف کتابی دیدم که مجموع ادعیه که در تورات و انجیل و زبور بود جدا کرده، در یک مجلد شده بود، نظیر صحیفه کامله در میان ما اهل اسلام اعز الله دولتنا و اکثر اهل ملتنا...» (همان، ص ۱۷)



از جمله دیگر کسانی که در ترجمه متون دینی مسیحی به فارسی نقشی برجسته داشته است علی قلی جدیدالاسلام (پدر آنتونیو دوژزو، کشیش آگوستینی پرتغالی و رئیس پیشین دیر آگوستینهای اصفهان، که در همین شهر به اسلام گرائید) میباشد. او سفر پیدایش تورات را به فارسی ترجمه و نقد نمود و بر آن نام *سیف المومنین فی قتال المشرکین* نهاد. نقد او ضمن اینکه اطلاعات فراوانی دربارهٔ مسیحیت اروپائی به دست می دهد، در بسیاری موارد نسبت به این آیین، کینه توزانه است. علی قلی جدیدالاسلام پس از اسلام آوردن، کتابهای متعددی دربارهٔ امور دینی، به خصوص در نقد و رد مسیحیت اروپائی نگاشت که مهمترین آنها، علاوه بر *سیف المومنین، هدایة الضالین* (نسخه خطی ۲۰۸۹ کتابخانه مجلس)، *فوائد ازدواج* (جدید الاسلام، صص ۳۱۱-۲۹۱) و *رد بر جماعت صوفیان* (همان، صص ۵۵-۱۱) می باشد. او احتمالاً نقش به سزائی در آشنائی ایرانیان، در واپسین سالهای حکومت صفوی، با مسیحیت اروپائی داشته است، چه بسیاری از آگاهیها پیرامون مسیحیت و مسیحیان اروپائی در لابه لای آثار فارسی او، که طبیعتاً در دسترس ایرانیان قرار داشته، انعکاس یافته است. (همان، صص ۲۱۵-۲۰۸) به عنوان نمونه او در چند جا به مسأله انکیزاسیون (تفتیش عقاید) در اروپا اشاره می کند. از جمله در *هدایة الضالین* در شرح دشمنی مسیحیان اروپائی با مسلمانان، به مسیحیانی که مسلمان یا یهودی می شده اند اشاره می کند و عکس العمل دستگاه مذهبی حاکم در اروپا نسبت به این از مسیحیت برگشتگان را به تفصیل بیان می نماید، «... و اگر کسی از نصاری که مسلمان شده یا قبول دین موسی کرده و یهودی شده باشد به دست ایشان (= فرنگیان) بیفتد او را به فرنگ یا یکی از بلاد که در تصرف ایشان است میرند و به دست داروغه که در هر شهر دارند می سپارند و آن داروغه را «انکوی زیر» میگویند. پس آن بدبختان بنده خدا را در عمارت تاریکی که در او هیچ

روزنه نیست و مشتمل است بر اطاقهای بسیار که هر کدام از دلهای نصاری ظلمانی‌ترند و در اطاقی از آن اطاقها قیدی در دست و قیدی در پا، قلاوه در گردن کرده، محبوس میدارند و...» (جدیدالاسلام، هدایة الضالین، نسخه ش ۲۰۸۹، مجلس، ص ۲۷۳) سپس شرح چگونگی شکنجه و سوزانده شدن این محکومان رابه تفضیل بیان می‌کند. (جدیدالاسلام، هدایة الضالین، نسخه ش ۲۰۸۹، مجلس، صص ۲۷۴-۲۷۳) همین نویسنده در سیف المومنین، از بخش دیگری از انکیزاسیون (عبارت از تفتیش کتابها و نابودی آن بخش که با تعالیم مسیحیت حاکم سازگاری نداشته)، به تفصیل سخن گفته است. (جدیدالاسلام، صص ۶۴۷-۶۴۶)

اطلاعات ایرانیان عصر صفوی درباره مسیحیت ارتدکس از آنچه درباره کاتولیک می‌دانستند بسیار ناچیزتر بود. از معدود نویسندگان ایرانی که به این فرقه توجه کرده است اروج بیگ بیات (دون ژوان ایرانی) می‌باشد. او ضمن توصیف گذر خود از شهرمسکو، به پیروی اهالی این شهر از آیین ارتدوکس اشاره و درباره آداب و رسوم مذهبی آنان شرحی ارائه مینماید. (بیات، صص ۲۸۸-۲۸۶)

مذهب پروتستان هرچند بسیار جدیدتر از دیگر آئینهای مسیحی بود، اما ظاهراً، بعد از آئین کاتولیک، ایرانیان عصر صفوی بیشتر با این فرقه آشنائی داشتند. دست کم از زمان شاه عباس اول نهضت مارتین لوتر و شکل‌گیری فرقه پروتستان برای برخی از ایرانیان شناخته شده بود. از گفتگویی که میان شاه عباس اول و پیتر دلاواله در اشرف مازندران صورت گرفته، به‌خوبی پیداست که شاه عباس در زمینه موضوع مورد بحث اطلاعاتی داشته است. شاه عباس در قسمتی از این گفتگو از دلاواله درباره دشمنان اسپانیا در اروپا سؤال کرد و پیش از آنکه دلاواله پاسخ گوید، اضافه کرد: «طرفداران لوتر جزء این عده (دشمنان اسپانیا) هستند.» (دلاواله، ص ۲۴۷) از سخنان اروج بیگ بیات، هنگام گذر از آلمان، نیز چنین برمی‌آید که او به آئین پروتستان و شخص لوتر آشنائی داشته است. (بیات، ص ۳۰۱)

در دوره صفویه، همانگونه که پیشتر اشاره شد، اغلب اروپائینی که به ایران می‌آمدند کاتولیک بودند گاهی در میان آنان پیروان آئین پروتستان هم دیده می‌شد. فرایر، جهانگرد انگلیسی، از تعداد قابل توجهی از فرانسویان کالونیست مقیم جلفای اصفهان یاد می‌کند که اغلب صنعتگر بودند. (Fryer, vol. II, P. 253) این گروه طبیعتاً می‌توانست منبعی برای شناخت ایرانیان از آیین پروتستان باشد. اما با توجه به اینکه منبع اصلی ایرانیان برای شناخت پروتستان معمولاً کاتولیکهای اروپائی بودند در بیشتر موارد شناخت واقع بینانه‌ای از این فرقه و رهبران آن برای ایرانیان حاصل نمی‌شد. آن دسته از ایرانیان که اطلاعات خود درباره آئین و نهضت پروتستان را از کاتولیکها، به‌خصوص مبلغان مستقر در ایران، می‌گرفتند، به هیچ‌وجه، دیدگاهی ستایش‌آمیز نسبت به پروتستان‌ها از خود نشان نداده‌اند. سید عبدالحسین خاتون‌آبادی که اطلاعات خود را در این‌باره از کتابی ناشناخته به نام «تاریخ پادری گونی» به‌دست آورده است، (خاتون‌آبادی، ص ۴۲۰) با دیدگاهی منفی، نهضت مارتین لوتر را معرفی می‌کند. او هنگامی که از وقایع سال ۱۴۸۳ میلادی و تولد لوتر در این سال یاد می‌کند، این واقعه را امری ناخجسته می‌داند و اقدامات لوتر را افساد در مسیحیت می‌شمارد: «و در این سال (= ۱۴۸۳ م.) مردی متولد شد در میان فرنگان، مسمی به «لوترن» و افساد مذهب فرنگان کرد به اقصی‌الغایه و عبادات و نمازها را همه بر هم زد و در روز تولد او خون از آسمان بیارید! و اکثر قرارداد حواریان را به هم زد.» (همان، ص ۴۱۹) همین نویسنده سپس با نقل داستانی افسانه‌مانند، درباره علت تصمیم لوتر برای اصلاحات مذهبی، کارهای او را بیشتر ناشی از امری خودخواهانه وانمود می‌کند. (همان، ص ۴۲۰) خاتون‌آبادی به اقدامات اصلاحی کالون نیز توجه کرده است. او در حوادث سال ۱۵۰۹ میلادی، از فعالیت‌های کالون در این سال یاد می‌کند. نویسنده، اقدامات کالون را نیز با دیدی منفی، «اختراع وابتداع» در دین تلقی می‌کند. او که

یک جا به اشتباه تاریخ اقدامات کالون را هزاروپانصد و نود و نه گفته است، در جای دیگری از کتاب خود این تاریخ را اصلاح کرده و در این باره چنین می گوید: «درهزار و پانصد و نه میلاد حضرت عیسی - علی نبینا وعلیه السلام...- در میان فرنگ مردی به هم رسید کلونی نام و اختراع و ابتداع بسیار نمود در عبادات و روزه ها را همه برطرف کرد و مراتب پیشوایان و مقتدایان فرنگ (منظور پیشوایان مذهبی است) را برهم زد در ارشاد و هدایت. (همان، ص ۴۳۰) خاتون آبادی همچنین از ظهور صد و بیست بدعت - گزاردینی دیگر در عهد کالون یاد می کند که یکی از آنها در قاره آمریکا ظهور کرده است و به او «پیغمبر ینگی دنیا» می گفته اند. نویسنده مدعی است که این بدعت گزار آمریکائی بر آن بود که دین عیسی (ع) به او منسوخ شده و او از جانب خدا مأمور است تا دستگاه پاپ را برهم زده و خود رهبری مسیحیان را برعهده بگیرد. نویسنده سرانجام از عاقبت دردناک این «پیغمبر ینگی دنیا» و سوزانده شدن او در آتش سخن گفته است. (همان، ص ۴۳۰) در برخی از آثار علیقلی جدیدالاسلام، از جمله هدایة الضالین، نیز اشارات سربسته ای به اقدامات اصلاحگرانه لوتر و کالون شده است. (هدایة الضالین نسخه خطی ۱۲۱۱۶ آستان قدس رضوی به نقل از جدید الاسلام، ص ۴۳)

در مقابل نمونه هائی از نگاه منفی ایرانیان به اصلاحات مذهبی اروپا، گاه ایرانیانی یافت می شدند که دیدگاهی واقع بینانه و مثبت نسبت به این آئین از خود نشان می دادند. اینان احتمالاً کسانی هستند که آگاهی های خود در این باره را از خود پروتستانها کسب کرده بودند. محمد ربیع بن محمد ابراهیم، واقعه نویس سفارت ایران به کشور سیام (تایلند امروزی) در زمان شاه سلیمان صفوی را گویا باید از این دسته به حساب آورد. او احتمالاً تحت تأثیر اطلاعاتی که از پروتستانها، به دست آورده بود، پیروان آئین پروتستان را برتر از دیگر مسیحیان معرفی می کند. ممکن است او این آگاهی ها را در جریان مسافرت نسبتاً طولانی

خود و همراهانش به سرزمینهای جنوب و جنوب شرق آسیا، و نه در ایران، به دست آورده باشد. گزارشهای او دربارهٔ دیگر مسائل مربوط به اروپائیان نیز بیشتر نشانگر همین مطلب است. او هرچند مستقیماً نامی از پروتستان نمی‌برد، اما از سخنانش دربارهٔ هلندیان که میدانیم در آن زمان بیشتر پروتستان مذهب بودند، به خوبی پیداست که تفاوت مذهبی آنان با اکثریت کاتولیک اروپا را می‌دانسته است و بر اساس، آن هلندیان را در زمینهٔ دینی، در مقایسه با دیگر اروپائیان، می‌ستاید؛ «... جماعت ولندیس که نسبت به اکثریت طوایف نصاری به نحوی که از آثار، معلوم و از استماع اخبار، مفهوم است، مزیتی داشته، در همهٔ مراتب، خالی از وایافتگی و شعور و تدبیر نبوده، در بعضی مراتب شرع خود اعتقادات صحیحه دارند...» (محمد ربیع، ص ۱۹۱)

#### نتیجه:

از رهگذر مناسبات درازمدت ایران و اروپا در روزگار صفوی، آگاهی‌هایی دربارهٔ وضعیت مذهبی اروپا برای شماری از ایرانیان به دست آمد. اینان شناختی نسبتاً قابل توجه از آئین کاتولیک، فرقه‌های وابسته و سازمان روحانیت آن به دست آوردند. هرچند موانع مختلف، از جمله نوپائی آئین پروتستان ارتباط کمتر ایرانیان با پروتستان‌ها در مقایسه با کاتولیک‌ها و... باعث شد تا ایرانیان عصر صفوی، شناخت نسبتاً کمتری از آئین پروتستان داشته باشند با این حال نخستین آگاهی‌های ایرانیان به نهضت و آئین یادشده در همین دوره حاصل شد و از این دیدگاه، این دوره را باید نقطهٔ عطفی در موضوع مورد بحث دانست.

- ۱- بیات، اوروج بیگ (دون ژوان ایران)، دون ژوان ایرانی، ترجمه مسعود رجب نیا، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۳۸ ه.ش.
- ۲- تاده، پر ژان، ترجمه زبور داود، میکروفیلم شماره ۴۶۹۴ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (نسخه واتیکان ش ۴۲ فارسی، فهرست رسی، ۷۲)، ۱۰۲۵ ه.ق.
- ۳- جدید الاسلام، علیقلی، رد بر جماعت صوفیان، در: میراث اسلامی ایران، ج ۷، به کوشش رسول جعفریان، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، ۱۳۷۷ ه.ش.
- ۴- \_\_\_\_\_، سیف المومنین فی قتال المشرکین، به کوشش رسول جعفریان، انتشارات انصاریان، قم، ۱۳۷۵ ه.ش.
- ۵- \_\_\_\_\_، رساله فواید ازدواج، به کوشش محمدرضا زائری، در: میراث اسلامی ایران، ج ۱، به کوشش رسول جعفریان، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، ۱۳۷۳ ه.ش.
- ۶- \_\_\_\_\_، هدایة الضالین، نسخه خطی شماره ۲۰۸۹ کتابخانه مجلس شورای اسلامی، بی تا.
- ۷- جعفریان، رسول، «یادی از مواضع علما در برابر مبلغان مسیحی در دوره صفویه»، در: دین و سیاست در دوره صفوی، انتشارات انصاریان، قم، ۱۳۷۰ ه.ش.
- ۸- حائری، عبدالهادی، نخستین رویاروئیهای اندیشه گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب، چاپ سوم، امیر کبیر، تهران، ۱۳۷۸ ه.ش.
- ۹- خاتون آبادی، عبدالحسین، وقایع السنین و الاعوام، به تصحیح محمد باقر بهبودی، کتابفروشی اسلامیة، تهران، ۱۳۵۲ ه.ش.
- ۱۰- خاتون آبادی، میر محمد باقر، ترجمه اناجیل اربعه، به کوشش رسول جعفریان، نشر میراث مکتوب، تهران، ۱۳۷۵ ه.ش.
- ۱۱- دلواله، پیتر، سفرنامه پیتر دلواله، ترجمه دکتر شعاع الدین شفا، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۴۸ ه.ش.
- ۱۲- رحیم لو، یوسف و صادقی، مقصودعلی، «روپکردهای ایرانیان عصر صفوی به اختراعات اروپائی»، نشریه دانشکده علوم انسانی واجتماعی دانشگاه تبریز، سال نهم، شماره دوازدهم، تابستان ۱۳۸۲ ه.ش.

- ۱۳- صادقی، مقصود علی، زمینه فعالیت‌های مبلغان مسیحی در ایران، در: مجموعه مقالات یادنامه مجلسی، به اهتمام مهدی مهریزی و هادی ربانی، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۷۹ ه.ش.
- ۱۴- کاووسی عراقی، محمد حسن، اسناد روابط دولت صفوی با حکومت‌های ایتالیا، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۷۹ ه.ش.
- ۱۵- مانوارینگ، ژرژ، سفرنامه برادران شرلی، ترجمه آوانس، با مقدمه دکتر محبت آئین، چاپ دوم، کتابخانه منوچهری، تهران، ۱۳۵۷ ه.ش.
- ۱۶- منشی ترکمان، اسکندر بیگ، تاریخ عالم آرای عباسی، با مقدمه و فهرس ایرج افشار، چاپ دوم، امیر کبیر، تهران، ۱۳۵۰ ه.ش.
- 17- Fryer, John, A new account of East India and Persia being nine years travels (1672-1681), edited by William Crooke, London, Hakluyt Society, 1967 (III Vol.)